

تأثیر بافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش‌گفتار؛

مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در

سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم

سیدمحمد حسینی معصوم^۱، عبدالله رادمرد^۲

۱. دانشیار زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

پذیرش: ۹۲/۲/۲۲

دریافت: ۹۲/۱۲/۲۱

چکیده

بررسی کنش‌های گفتار در متون مذهبی یکی از راه‌های درک لایه‌های پنهان کلام و شناخت تأثیر مورد نظر مبدأ کلام است. این پژوهش برای نخستین بار به بررسی و مقایسه کنش‌های گفتار در منتخبی از سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم می‌پردازد. در این تحقیق توصیفی با روش تحلیل محتوا، شصت صفحه از قرآن کریم مشتمل بر سی صفحه از سوره‌های مکی و سی صفحه از سوره‌های مدنی به روش تصادفی به‌عنوان نمونه انتخاب گردید. براساس نظریه کنش گفتار آستین و طبقه‌بندی پنج‌گانه سرل در مورد انواع کنش‌های گفتار، با در نظر گرفتن محتوا و مفاهیم سوره‌ها و آیات، فراوانی هریک از انواع کنش‌های گفتار موجود در آن‌ها بررسی شد. نتایج نشان داد که پراکندگی و فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی تفاوت قابل توجهی دارد. بر این اساس، در سوره‌های مکی کنش‌های اظهاری بیشترین فراوانی را دارد و کنش‌های عاطفی، ترغیبی، تعهدی و اعلامی در رتبه‌های بعد قرار دارند. اما در سوره‌های مدنی، فراوانی کنش‌های اظهاری به نفع سایر کنش‌ها کاهش یافته و در مقابل، کنش‌های ترغیبی و عاطفی و کنش‌های تعهدی و اعلامی افزایش یافته‌اند. این آمار می‌تواند در مقایسه این دو نوع از سوره‌ها دارای پیامدهای تفسیری مهمی باشد؛ از جمله این‌که بیان اخبار و معارف الهی و اسلامی در قالب کنش‌های اظهاری در سوره‌های مکی و در آغاز اسلام، حجم بیشتری از آیات را به خود اختصاص داده است؛ درحالی‌که کنش‌های گفتاری مربوط به اوامر و نواهی تشویقی و ترغیبی و تیشیر و انذار، در سوره‌های مدنی اولویت بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان قرآن، سوره‌های مکی، سوره‌های مدنی، کنش گفتار، سرل.

۱. مقدمه

بررسی زبان قرآن و فهم آن، مستلزم دقت و مطالعه فراوان است. یکی از زمینه‌های کاربردی علوم جدید از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی، استفاده از این علوم در قالب مطالعات میان‌رشته‌ای برای درک و تفسیر قرآن است. از دیدگاه حرّی، اساساً یکی از مسائلی که قرآن‌پژوهی را با دشواری روش‌شناختی روبه‌رو کرده است، پیوند رویکردهای سنتی بلاغت و رویکردهای عمدتاً متأسی از مباحث زبان‌شناسی قرن بیستم، به‌ویژه آرای سوسور، چامسکی و زبان‌شناسی نقش‌گراست (حرّی، ۱۳۹۱: ۶). پیداست که بلاغیون سنتی عمدتاً از منظر برون‌متنی به قرآن نگریسته‌اند و چندان به رابطه متن و بافت آیات و سوره‌ها با یکدیگر و یا با آیات مجاور توجه نشان نداده‌اند. امروزه در پرتو مسائل نوین زبان‌شناسی، عمده مباحث رویکردهای بلاغت سنتی (علم‌البیان، علم‌المعانی و علم‌البديع) جامه‌ای تازه دربرکرده و با مباحث امروزین همخوانی نشان داده است. حرّی معتقد است که زبان‌شناسی قرآنی با برخی مؤلفه‌های ساختاری و کارکردی زبان‌شناسی یا بلاغت غربی تناظر و همبستگی دارد و از برخی جهات، تمایزات ماهوی و تبارشناختی دارد.

حرّی با اشاره به تعریف صفوی (۱۳۸۴) از کاربردشناسی زبان، به‌عنوان بررسی معنای جملات در فضایی که جمله‌های زبان در آن تولید می‌شوند، یاد می‌کند که این فضا می‌تواند «محیط برون‌زبانی» باشد یا متنی باشد که به‌صورت مجموعه‌ای از جمله‌های زبان، پیش و پس از هر جمله آمده است. او همچنین اشاره می‌کند که درک بسیاری از آیات و سوره‌های قرآنی به این دو محیط برون/ درون‌زبانی بستگی دارد (همان: ۷). این همان مطلبی است که پژوهش حاضر درصدد واکاوی آن است؛ یعنی بررسی تأثیر بافت مکان-زمان نزول سوره‌ها در تفاوت کاربرد کنش‌های گفتاری مختلف، برای تأثیرگذاری بر مخاطب.

پژوهشگران مختلف در زمینه زبان‌شناسی تحقیقات فراوانی داشته‌اند. یکی از دیدگاه‌ها و نظریات موجود در حوزه علم کاربردشناسی^۱ و معناشناسی^۲ زبان که می‌تواند به فهم معنا و تفسیر متون دینی از جمله قرآن کریم کمک کند «نظریه کنش گفتار»^۳ است. بر این اساس، پژوهش حاضر سعی در کشف عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری گفتمان قرآن در قالب کنش‌های گفتار مختلف دارد. پرسش این است که آیا در پیکره متنی قرآن کریم، می‌توان

نشانه‌ای از تفاوت میزان کاربرد کنش‌های گفتاری مختلف در شرایط زمانی و مکانی متفاوت مشاهده کرد؟ فرضیه‌ی اساسی ما در این پژوهش مبتنی بر بسامد متفاوت کنش‌های گفتاری در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم است. بنابراین با توجه به تفاوت مفاهیم سوره‌ها، در این تحقیق، مفاهیم آیات سوره‌های مکی و مدنی براساس نظریه‌ی کنش گفتار آستین^۱ و طبقه‌بندی پنج‌گانه^۲ درمورد انواع کنش‌های گفتار، بررسی و تفاوت آماری میزان کاربرد هریک از انواع کنش‌های گفتار در آن‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. پژوهش در این زمینه می‌تواند ما را به دریافت عمیق‌تر، دقیق‌تر و کامل‌تری از آیات کلام وحی و درک اهمیت و تأثیر قرآن در زندگی رهنمون سازد.

۲. نظریه‌ی کنش گفتار

نظریه‌ی «کنش گفتار» هرچند در سایه‌ی دیدگاه‌های فیلسوف اتریشی، لودویگ ویتگنشتاین، در مورد بازی‌های زبانی مطرح شد، معمولاً به فیلسوف شاغل در آکسفورد به نام جان آستین نسبت داده می‌شود. آنچه آستین را به تدوین این نظریه واداشت، مخالفت او با سفسطه‌ای بود که در دیدگاه پوزیتیویسم منطقی^۳ نسبت به مسئله‌ی معناداری مطرح شده بود. براساس این سفسطه، تنها کارکرد فلسفی زبان، ساختن جمله‌های صادق^۴ یا کاذب^۵ است. پوزیتیویست‌ها مدعی بودند، اگر نتوان جمله‌ای را در اساس، به لحاظ صدق و کذب مورد ارزیابی قرار داد، آن جمله بی‌معناست (cf. Levinson, 1983: 227).

آستین دریافت که بسیاری از جمله‌ها در زبان عادی ماهیت خبری ندارند و حتی بسیاری از جمله‌های خبری نیز قابل ارزیابی صدق و کذب نیستند. هدف از بیان این‌چنین جمله‌ها، بیان یک مطلب نیست، بلکه انجام فعلالانه^۶ یک عمل است.

آستین با معرفی دوگانگی اخباری/اجرائی^۱ مدعی شد که نقش اخباری جمله‌ها/گزاره‌ها^۲ این ویژگی را به آن‌ها می‌دهد که قابلیت صدق و کذب داشته باشند (Austin, 1971: 13). اما جمله‌های اجرائی چنین نیستند. جمله‌هایی نظیر:

۱. از شما متشکرم؛

۲. ازتون عذر می‌خواهم؛

۳. صبح به خیر.

عمل تشکر، عذرخواهی، احوالپرسی و مانند آن را انجام می‌دهند و به محض بیان این جمله‌ها این اعمال محقق می‌شود.

آستین اندکی بعد، این تمایز را کنار گذاشت و یک نظریهٔ عمومی در مورد کنش‌های گفتار ارائه کرد. چنان‌که لوینسون می‌گوید، آستین علاوه بر این‌که تعریفش از جمله‌های اجرایی را اصلاح کرد، دریافت که انواع جمله‌های اجرایی را می‌توان زیر شاخه‌هایی از کنش‌های گفتار در نظر گرفت (Levinson, 1983: 231). نهایتاً آستین یک تمایز سه‌گانه میان کنش‌هایی برقرار کرد که فرد هنگام گفتن یک جمله انجام می‌دهد. او این سه کنش را به ترتیب کنش بیانی^{۱۱}، کنش منظوری^{۱۲} و کنش تأثیری^{۱۳} نامید (همچنین ر. ک. عسکری متین و رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۵۷). کنش بیانی صرفاً تولید یک پاره‌گفتار معنادار^{۱۴} توسط گوینده است. این کنش فقط جنبه‌های زبانی گفتار را دربرمی‌گیرد و این اصطلاح در مقایسه با کنش منظوری مطرح می‌شود که در آن چیزی بیش از بیان صرف مورد نظر است (cf. Crystal, 2003: 277; Barber & Stainton, 2010: 707).

کنش منظوری، همان عملی است که گوینده با تولید یک عبارت زبانی و از طریق نیروی متداول مربوط به آن، به تصریح یا تلویح قصد می‌کند. این اعمال عبارت‌اند از پرسیدن سؤال، دستور دادن، تشکر و عذرخواهی کردن، قول دادن و نظایر آن (Malmkjær, 2010: 423).

آقاگل‌زاده اشاره می‌کند که علاوه بر انواع کنش‌های گفتاری بالا، از نظر آستین کنش‌های گفتار را می‌توان به دو دستهٔ مستقیم و غیر مستقیم تقسیم کرد (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱: ۸). منظور از کنش مستقیم وجود رابطهٔ یک‌به‌یک بین ساختارهای نحوی گفته یا جمله و نقش ارتباطی آن است و منظور از کنش غیر مستقیم، عدم رابطهٔ یک‌به‌یک بین ساختارهای نحوی و نقش ارتباطی جمله است؛ به‌عنوان نمونه، ساخت‌های دستوری/ نحوی در زبان انگلیسی برای همهٔ کنش‌ها به سه صورت ساختارهای خبری، پرسشی و امری است و به ترتیب سه نوع کارکرد یا نقش ارتباطی «گزاره یا خبر»، «پرسش» و «درخواست یا امر» دارند.

کریستال معتقد است که باید میان منظور گوینده از بیان یک پاره‌گفتار و کنشی که شنونده عملاً در اثر آن گفتار انجام می‌دهد و تأثیری که در او ایجاد می‌شود، تمایزی قائل شد (Crystal, 2003: 344). این تأثیر که ممکن است در قالب ترس، توهین، اقناع و نظایر آن

باشد و ممکن است با هدف گوینده متفاوت یا یکسان باشد، کنش تأثیری نامیده می‌شود (also (cf. Austin, 1962; Oishi, 2006).

در این حالت در پی گفتن چیزی اغلب عملی انجام می‌شود؛ مثلاً با گفتن «من این جنس را با قیمت مناسب‌تری نسبت به مغازه روبه‌رو به شما می‌فروشم»، خریدار به خرید جنسی قانع می‌شود. درحقیقت، کنش تأثیری، واکنش مخاطب نسبت به کنش منظوری است. در نظریه کنش گفتار از میان سه نوع کنش بیانی، منظوری و تأثیری، به‌طور خاص بیشتر به کنش منظوری و کمتر به دو نوع کنش دیگر توجه می‌شود. درواقع، اصطلاح «کنش گفتار» به معنای اخص آن، صرفاً برای اطلاق بر کنش منظوری یک پاره‌گفتار به کار می‌رود (صفوی، ۱۳۸۳، ۲۶۰).

اما تأثیر گفتار گوینده بر جهان خارج همیشه از یک نوع نیست؛ گاه این تأثیر صرفاً نوعی تبادل روان‌شناختی و عاطفی همچون تشکر و تشویق بین دو طرف است و گاهی صرفاً بیان یک حقیقت و خبر است؛ ولی در برخی موارد تولید یک گفتار باعث ایجاد یک تغییر ملموس در جهان خارج می‌شود. هنگامی که روحانی یا عاقد می‌گوید: *من شما را زن و شوهر اعلام می‌کنم* یا وقتی قاضی می‌گوید: *من تو را به اعدام محکوم می‌کنم*، وضعیت شنونده قبل و بعد از تولید این جمله‌ها متفاوت خواهد بود. دو نفر که غریبه محسوب می‌شدند، اکنون همسر هم هستند و فردی که متهم بود، اکنون محکوم به یک حکم است که اگر حکم دیگری آن را نقض نکند، به زندگی او خاتمه می‌دهد. بنابراین به نظر می‌رسد نیاز بود تقسیم‌بندی دقیق‌تری از کنش‌های گفتار ارائه شود.

نظریه آستین مورد نقدهای فراوانی قرار گرفته است و موافقان و مخالفان زیادی دارد. گرایس ضمن بحث در مورد معنا، بین معنای طبیعی و معنای غیر طبیعی تمایز قائل می‌شود. از دیدگاه او هنگامی که بین یک پاره‌گفتار و آنچه مقصود از بیان آن است، ارتباط طبیعی برقرار باشد، معنای طبیعی حاصل می‌شود و هنگامی که چنین ارتباط طبیعی وجود نداشته باشد، معنا غیر طبیعی است (Austin, 1962: 89) اگر بگوییم «چراغ روشن است» به این معنا که «برق در آن جریان دارد»، معنای طبیعی آن مورد نظر است، اما اگر همین جمله به معنای آن باشد که «او در حال مطالعه است»، معنا غیر طبیعی خواهد بود. معنای غیر طبیعی حاصل قصد^{۱۰} گوینده از ایجاد یک استنباط و باور در مخاطب است (also cf. Martin, 1987: 85).

با توجه به مفهوم معنای غیر طبیعی گرایس و اضافه‌شدن عنصر قصد به این فرآیند،

استراوسن نظریه کنش گفتار آستین را مورد نقد قرار می‌دهد. از دیدگاه استراوسن، کنش گفتار لزوماً به قواعد عرفی^{۱۶} که بین پاره‌گفتار و مقصود گوینده ارتباط برقرار می‌کند، متکی نیست (Strawson, 1969: 386- 387). به عبارت دیگر یک فرد می‌تواند کنش [گفتار] را انجام دهد بدون این‌که از قواعد عرفی موجود استفاده کند. مخالفت استراوسن با گرایس در این است که این «قصد» است که عهده‌دار کنش می‌شود. به عبارت دیگر استراوسن تمایز بین کنش منظوری و تأثیری را که مبتنی بر وجود قواعد عرفی است، رد می‌کند و همه کنش‌ها را حاصل عملکرد قصد گوینده می‌داند نه خود پاره‌گفتار. همچنین ماساکی (2004)، انتقاد مهم‌تری به این نظریه وارد کرده و بیان می‌کند که چه آستین و چه گرایس و استراوسن، دیدگاهی گوینده- محور به پدیده ارتباط داشته‌اند و از نقش مخاطب در تولید معنا غافل شده‌اند (Masaki, 2004: 33- 36).

پس از آستین تلاش‌های زیادی برای سامان‌بخشی به طبقه‌بندی آستین صورت گرفت؛ از جمله می‌توان به باخ و هارنیش (1979)، آلان، (2001) و باخ (2004) اشاره کرد که بعضی مبتنی بر ملاک‌های صوری و ساختاری، برخی بر عوامل معنایی و کاربردشناختی و برخی بر ترکیبی از این دو متکی بود (cf. Sadock, 2004). اما در میان تمام این تقسیم‌بندی‌ها (از گذشته تاکنون)، طبقه‌بندی سرل (1975) بیش از همه مقبولیت یافته است. مجموعه سخنرانی‌ها و یادداشت‌های آستین که پس از مرگش و در سال ۱۹۶۲م. منتشر شد، دستمایه کار شاگرد آمریکایی‌اش، جان سرل، در تکمیل این نظریه شد. اساس این نظریه بر این نکته استوار است که بیان یک جمله، برابر است با انجام یک عمل یا بخشی از فرآیند انجام یک عمل در بستر نهادها و هنجارهای اجتماعی (cf. Huang, 2006: 705).

سرل (1975) با اشاره به اشکالاتی که در طبقه‌بندی آستین وجود دارد، بیان می‌کند که با در نظر گرفتن دوازده معیار می‌توان در مجموع، کنش‌های گفتار را به پنج نوع تقسیم کرد. این معیارها به عواملی نظیر حالت روان‌شناختی، نحوه انطباق گفتار با جهان خارج و محتوای گزاره‌ای^{۱۷} مربوط بود (cf. Searle, 2001). پنج نوع کنش گفتار پیشنهادی سرل عبارت بودند از: ۱. کنش اظهاری^{۱۸}؛ ۲. کنش ترغیبی^{۱۹}؛ ۳. کنش تعهدی^{۲۰}؛ ۴. کنش عاطفی^{۲۱} و ۵. کنش اعلامی^{۲۲} (Searle, 1975: 344- 369).

کنش اظهاری آن دسته از کنش‌های گفتار را شامل می‌شود که به‌نوعی دارای ارزش صدق و کذب هستند و گوینده مدعی صادق بودن آن است. اظهارات، ادعاهای، نتیجه‌گیری‌ها، بیانات و مانند آن که در آن‌ها گوینده جهان خارج را آن‌گونه که باور دارد، به تصویر می‌کشد (Barber & Stainton, 2010: 709). جمله‌ای مانند «من هرگز به پاریس نرفتم»، یا «فردا هوا بارانی خواهد بود»، دارای کنش اظهاری هستند.

در کنش ترغیبی، هدف گوینده اجبار یا تشویق مخاطب به انجام یا ترک کاری است (cf. Crystal, 2003: 140) که ممکن است در قالب امر، پرسش، خواهش یا فرمان متبلور شود. چنان‌که سرل (۱۹۶۷) معتقد است، گوینده در این کنش سعی در انطباق جهان خارج با وضعیت مطلوب خود از طریق مخاطب دارد (Martínez-Flor, 2005: 168). نمونه این کنش را می‌توان در این جمله‌ها یافت: «لطفاً ساکت باش». «مبادا به این جعبه دست بزنی».

هوانگ کنش تعهدی را کنش گفتاری می‌داند که گوینده را متعهد به انجام کاری در آینده می‌کند. قول دادن، پیشنهاد دادن، تهدید کردن و انکار کردن نمونه‌هایی از این نوع کنش گفتار هستند که در آن‌ها جهان خارج از طریق خود گوینده با وضعیت مطلوب منطبق می‌شود (Huang, 2006: 709). جمله‌هایی مانند: «دیگر به دیدن تو نمی‌آیم» یا «انتقام این کار را از تو می‌گیرم» دارای این نوع کنش هستند.

کنش عاطفی شامل گفتاری می‌شود که دیدگاه یا حالت روان‌شناختی گوینده نظیر لذت، تأسف و علاقه یا تنفر را بیان می‌کند. در این کنش گفتار، انطباق جهان و ذهن وجود ندارد. این‌گونه کنش‌ها در عذرخواهی، سرزنش، تبریک، تحسین و تشکر دیده می‌شود؛ مانند: «متشکرم» یا «مبارک باشد».

کنش اعلامی شامل کنش‌های گفتاری است که به محض بیان آن‌ها تغییراتی واقعی در جهان خارج ایجاد می‌شود. از آنجا که مؤثر بودن این کنش‌ها وابسته به نهادهای اجتماعی و قانونی است، می‌توان آن‌ها را کنش‌های نهادینه نامید. در چنین کنشی گوینده با بیان جمله، در جهان خارج تغییر ایجاد می‌کند؛ یعنی بین محتوای گزاره‌ای جمله و جهان خارج انطباق ایجاد می‌کند (Ibid). برخلاف کنش تعهدی که گوینده خود انجام عملی را به عهده می‌گیرد، در کنش اعلامی، صرف بیان جمله توسط گوینده، برابر با انجام عمل است و نیاز به انجام کار دیگری نیست. وقتی فرد مسئولی اعلام می‌کند «من این قانون را لغو می‌کنم» آن قانون لغو شده است

و عمل لغو با بیان این جمله انجام شده است. در جمله‌هایی که شامل ابطال کردن، نامیدن، محکوم کردن، تحریم کردن، عقد ازدواج، منصوب کردن، عزل کردن و نظایر آن است، از این گفتار استفاده شده است.

۲-۱. کنش گفتار، بافت و پاره‌گفتار

نظریه کنش گفتار به‌جای پرداختن به جمله‌ها یا واحدهای نحوی، به پاره‌گفتار می‌پردازد. هرچند تعریف دقیقی از پاره‌گفتار ارائه نشده است (cf. Crystal, 2003)، اما پاره‌گفتار قطعه‌ای کوتاه یا بلند از زبان است که معنای آن حاصل تعامل زبان و بافت تولید آن است. این دیدگاه در بررسی کنش‌های گفتار، انعطاف ما را در تحلیل فرآیند ارتباطی در متن افزایش می‌دهد؛ چرا که از منظر کنش‌های گفتار، یک پاره‌گفتار می‌تواند یک کلمه، یک جمله یا یک گفتمان کامل یا اثر ادبی باشد. اما اصول تحلیل یک پاره‌گفتار تک‌جمله‌ای و یک قطعه طولانی، یکسان است. بنابراین می‌توان بخشی از یک متن را انتخاب و تحلیل کرد (Botha, 1991: 295). از آنجا که اصل اساسی نظریه کنش گفتار این است که هیچ مکالمه‌ای در خلأ رخ نمی‌دهد، شناخت و توجه به بافت^{۳۳} ضروری است. در تحلیل و تفسیر کنش‌های گفتار هر متنی، توجه به بستر اجتماعی، تاریخی و ادبی آن متن اهمیت بسیار دارد. این دیدگاه، مخالف برخی دیدگاه‌های نقد ادبی نوین یا ساخت‌گرایی فرانسوی است که متن را بدون در نظر گرفتن بافت گفتمانی و اجتماعی آن بررسی می‌کنند. این امر در مطالعه متون مذهبی از اهمیت بیشتری برخوردار است. باس معتقد است در برخی دوره‌ها مطالعه متون مقدس که مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر رویکردهای یادشده بودند، همانند آن‌ها حقایق فرازبانی حاکم بر متن را نادیده گرفتند. وی نتیجه می‌گیرد که نظریه کنش گفتار می‌تواند این اشکال را رفع کند (Buss, 1988: 126).

۲-۲. گفتمان دینی به‌عنوان کنش دینی

به اعتقاد پات، از آنجا که نظریه کنش گفتار ما را وامی‌دارد تا همه متن‌ها را به‌عنوان کنش در نظر بگیریم، متن‌های مذهبی نیز باید به‌عنوان کنش‌های دینی محسوب شوند (Patte, 1988: 92). هرچند در این زمینه کار اندکی انجام شده است، این نوع نگاه به متن به‌عنوان کنش، به

متخصصان متون مذهبی این امکان را داده است تا ماهیت دینی این متون را به شکل نظام‌مندتری تفسیر کنند (Botha, 1991: 300). این امر مستلزم نگاهی متفاوت به متن‌های مذهبی است. به اعتقاد سرل مطالعه کنش گفتار مبتنی بر ظرفیت‌های اساسی ذهن است که از طریق حالت‌های ذهنی همچون باور، تمایل و نظایر آن و به‌ویژه از طریق عمل و ادراک آن، رابطه ارگانیک با جهان برقرار می‌کند (Searle, 1983: 7). پات با اشاره به همین دیدگاه سرل پیشنهاد می‌کند که در بررسی متون مقدّس، دغدغه اصلی محقق باید عینیت و هدفمندی باشد که این خود مستلزم گذر از برخی خطوط قرمز قدیمی در مطالعات مذهبی است (Patte, 1988: 95).

هرچند در علم زبان‌شناسی، نظریه کنش گفتار سابقه چندانی ندارد، در علم کلام اسلامی و تفسیر این مباحث از قدیم به‌نوعی مطرح بوده است. مهم‌ترین دسته‌بندی در این جهت، تمایزی است که بین اخبار و انشا در متون قرآنی و روایی مطرح می‌شود. «خبر» یا «اخبار» کلامی است که ذاتاً قابل اتّصاف به صدق و کذب باشد و بتوان آن را اثبات یا ردّ کرد. قصد اولیه و اصلی از ایراد جملات خبری، انتقال پیامی به مخاطب و آگاه کردن وی از مضمون خبر است؛ اما از جملات خبری برای اغراض دیگری نیز استفاده می‌شود که در علم معانی بررسی می‌شود؛ یعنی گاهی مقاصد دیگری وظیفه اصلی (اخبار) را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند (زرکشی، ۱۳۸۷: ۳۱۶-۳۲۴).

اغراض ثانوی از کلام خبری عبارت‌اند از:

۱. نشان دادن آگاهی گوینده به مخاطب؛
 ۲. استرحام و برانگیختن رحم و شفقت: رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ؛ «پروردگارا! من به هر خیری که به سویم بفرستی، سخت نیازمندم» (قصص / ۲۴)؛
 ۳. اظهار ضعف و بیچارگی: رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا؛ «پروردگارا! من استخوانم سست گردیده و (موی) سرم از پیری سپید گشته» (مریم / ۴)؛
 ۴. اظهار حسرت و حزن: قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ؛ «پروردگارا! فرزندی که زاده‌ام دختر است» (آل عمران / ۳۶)؛
 ۵. اظهار شادی و فرح: وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ رَهُوقًا (إسراء / ۸۱).
- معانی دیگری همچون امر، نهی، دعا و نفرین نیز می‌تواند به‌صورت خبری بیاید که در

این هنگام جمله خبری حکم جمله انشایی پیدا می‌کند و می‌گوییم جمله خبری در مقاصد مجازی خود جنبه انشایی می‌یابد. گفتنی است که «نفی» و «وعدہ و وعید» از اقسام خبرند. «انشا» در لغت به معنای ایجاد و در اصطلاح فقه و کلام اسلامی، سخنی است که ذاتاً در بردارنده صدق و کذب نباشد؛ زیرا در انشا از مسائل بیرونی خبر نمی‌دهیم. بعضی گفته‌اند انشا چیزی است که مدلول آن در خارج با کلام پدید می‌آید و گوینده با بیان خود، مقصود خود را ایجاد می‌کند؛ مثلاً می‌گوید: «اشتریتُ» (خریدم) و خریدن صورت می‌گیرد. تفاوت انشا با اخبار این است که جمله انشایی، در خارج مابه‌ازاء ندارد که با آن تطبیق داده شود. از این رو، به صدق و کذب متّصف نمی‌گردد؛ اما جمله خبری که در مقام خبر دادن از ثبوت یا نفی چیزی است، گاه مطابق با واقع و گاه مخالف با آن است. از این رو، به صدق و کذب متّصف می‌شود. آخوند خراسانی در بحث ذیل این موضوع در *کفایة الاصول* اظهار می‌دارد: «این نظریه از همان زمان که ادبیات عرب را تنظیم کرده‌اند و اصولیین هم نظر داده‌اند، مطرح بوده است. این نظریه می‌گوید: ما دو نوع نیاز داریم؛ گاه می‌خواهیم از خارج خبر دهیم مانند: «ضربَ زیدُ عمراً» و یا «باعَ زیدُ داره» در این صورت از جمله خبری استفاده می‌کنیم؛ گاه نیاز داریم معنایی اعتباری را ایجاد کنیم که در این صورت از جمله انشایی استفاده می‌کنیم. در لغت عرب بعضی از الفاظ، ممخّص در انشا است مانند: صیغه امر، نهی، استفهام، ترجی و تمنی. اما بعضی از الفاظ دوحیثیتی است؛ هم در اخبار به کار می‌رود و هم در انشا مانند «بعتُ خریدم»؛ گاه با آن خبر می‌دهیم و گاه با آن بیعی را انشا می‌کنیم (نک. سبجانی، ۱۳۹۰).

جالب اینجاست که دقیقاً همان مبحثی که در نظریه کنش‌گفتار پیرامون رابطه زبان و ذهن و جهان خارج ترسیم می‌شود، در علم کلام نیز مطرح می‌شود. سبجانی در تبیین نظر آخوند خراسانی می‌گوید:

منشأ اعتبار امور اعتباری، خارج است و ما از خارج که تکوین است، نقشه‌برداری می‌کنیم و بعد مشابه آن را اعتبار می‌کنیم. مثلاً در مورد مسئله زوجیت به خارج نگاه می‌کنم و می‌بینم بعضی چیزها جفت است. از طرف دیگر می‌بینم از نظر آفرینش بین انثی و ذکر یک نوع تجاذب وجود دارد. با توجه به این دو مقدمه می‌گویم همان‌طور که در خارج زوجیت تکوینی داریم، یک نوع زوجیت اعتباری ترسیم می‌کند و در ذهن می‌گوید بین زید و هند زوجیت برقرار است. بعد برای این‌که این مسئله را قانونی کند (زیرا تا مادامی که در ذهن است قانونی نمی‌شود) در عالم لفظ آنی را که در ذهن تصوّر کرده است، انشا می‌کند و می‌گوید زوجتُ زیداً بهنر (همان).

۳-۲. منشأ اعتبار در کنش اعلامی

آنچه در مورد انشا در فقه و کلام بیان می‌شود، منطبق با کنش اعلامی در تقسیم‌بندی سرل است. در انشا گوینده با صدور حکمی سبب ایجاد تغییری در جهان خارج می‌شود. آنچه شاید کمتر مورد توجه قرار گرفته باشد، نحوه اعتبار یافتن جمله‌های انشایی است. هنگامی که قاضی در دادگاه فردی را به اعدام محکوم می‌کند، کنش گفتاری از نوع اعلامی سبب تغییر در وضع جهان خارج شده است و حالت فرد از متهّم به یک محکوم به مرگ تغییر یافته است. اعتبار این حکم قاضی تابع قوانینی است که به او اختیار و حاکمیت لازم را می‌دهند و ابزار اجرای این حکم را در اختیار او قرار می‌دهند. این حکم ممکن است نقض شود یا در مقام اجرا تعطیل شود. وقتی روحانی، مرد و زنی را همسر اعلام می‌کند، هرچند صرفاً با بیان جمله مربوطه از سوی او کنش اعلامی محقق شده و وضعیت دو نفر از حالت بیگانه به حالت همسر تبدیل می‌شود، اما اعتبار این حکم منوط به قوانین شرعی است که این عقد ازدواج را مجاز شمرده است. بنابراین منبع اعتبار کنش اعلامی در همه این موارد، خارج از وجود و ذهن خود گوینده است.

اما در تحلیل متون قرآنی، وضعیت متفاوت است. هنگامی که آیه‌ای نازل می‌شود که خداوند در آن می‌فرماید: «حُرِّمَتْ عَلَيْكَ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَ لَحْمُ الْخَنزِيرِ»، هدف بیان یک خبر در مورد تحریم نیست، بلکه با نزول این آیه حکم تحریم، جاری و در واقع انشا شده است و اعمالی که قبلاً در مورد آن‌ها حکمی نبود و شاید مباح شناخته می‌شد، اکنون دیگر حرام شمرده می‌شود. در آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» هدف خبر دادن از وجوب روزه نیست، بلکه انشای حکم وجوب روزه است که نوعی کنش اعلامی محسوب می‌شود.

تفاوت کنش اعلامی در این متون با متون حقوقی و نظایر آن در این است که هنگامی که گوینده خداست، اعتبار حکم جاری‌شده در کنش اعلامی خارج از گوینده نیست. در واقع، اعتبار حکم از سرچشمه کلام ناشی می‌شود و صدور و تحقق اعتبار آن مشروط به هیچ شرط خارجی نیست و نقض آن هم تنها به وسیله خود گوینده، یعنی خداوند میسر است. این تفاوت در تفسیر کنش اعلامی باید در تفسیر متون قرآنی مورد نظر قرار بگیرد.

حتی در مورد سایر کنش‌ها همچون کنش‌های ترغیبی و عاطفی نیز جنس بیان خداوند و کنش گفتار آیات همانند کنش گفتار سایر گویندگان نیست؛ هنگامی که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»، کنش عاطفی برای بیان تنفر و بیزاری، تنها نشان‌دهنده یک حالت

عاطفی و احساسی نیست (یا درواقع اصلاً چنین نیست؛ چرا که خداوند فاقد این عوارض است). در اینجا درواقع خداوند به نوعی حکمی را جاری می‌نماید که براساس آن اسراف‌کنندگان از حریم محبت الهی اخراج می‌شوند. هرچند چنین مواردی نه در منابع اسلامی و نه در منابع زبان‌شناسی به‌عنوان جمله انشایی یا کنش اعلامی در نظر گرفته نمی‌شوند، اما باید پذیرفت که در این موارد، تعیین مرز میان کنش اعلامی با سایر کنش‌ها دشوار است. اوج این دشواری در تفسیر آیه «الحمد لله رب العالمین» است. آیا کنش به‌کاررفته در این آیه اظهاری است یا اعلامی؟ آیا خداوند خبر می‌دهد که تمام ستایش‌ها برای او واقع می‌شود؟ یا حکم می‌کند و اعلام می‌دارد که چنین اراده کرده است که حمدی در هستی تحقق نخواهد یافت که برای ذات مقدس او نباشد؟

۴-۲. پژوهش‌های کنش‌گفتار در متون دینی

پس از مطرح‌شدن نظریه کنش‌گفتار در غرب، مطالعات مختلفی برای تحلیل متون مذهبی براساس این مدل انجام شد. از جمله می‌توان به بوتا (1991) اشاره کرد که معتقد است استفاده از این مدل، امکانات جدیدی در تفسیر متن کتاب مقدس فراهم کرده است. وی به مزیت‌های این نظریه اشاره کرده و راهکارهایی را نیز در این زمینه پیشنهاد می‌کند. همچنین بریگز (2001) در کتابی به تفصیل به دفاع از کاربرد این نظریه در تفسیر متن کتاب مقدس می‌پردازد. بریگز به صورت‌های مختلف نظریه کنش‌گفتار در فلسفه زبان پرداخته و آن را در تفسیر این متون به کار می‌برد.

پژوهشگران و زبان‌شناسان مسلمان نیز در سال‌های اخیر نظرات آستین و سرل را در تفسیر متونی همچون قرآن، نهج‌البلاغه یا ادعیه و امثال آن به کار برده‌اند. قنسولی (۱۳۷۹) به بررسی فروانی کنش‌های گفتاری در خطبه ۱۱۱ نهج‌البلاغه و نتیجه‌گیری اخلاقی از آن می‌پردازد و نشان می‌دهد که بیشتر کلمات امام، حاوی کنش توصیفی است. وی نتیجه می‌گیرد که استفاده بیشتر از کنش توصیفی در این خطبه بیانگر اهتمام حضرت برای نشان‌دادن تصویری واقعی از چهره دنیاست. ساجدی (۱۳۸۱) نیز به بحث درباره امکان کاربرد نظریه کنش‌گفتار در تحلیل گزاره‌های دینی می‌پردازد و سعی دارد نشان دهد امکان تفکیک جملات حاوی (اظهاری) و کنشی (اعلامی) وجود ندارد. وی همچنین به

چندبعدی بودن گزاره‌های اخباری در دین و اهمیت ویژه بعد احساسی در گزاره‌های دینی اشاره می‌کند.

همچنین پهلوان‌نژاد و رجب‌زاده (۱۳۸۹) به تحلیل زیارت‌نامه امام رضا (ع) براساس این نظریه پرداختند و نتیجه گرفتند که کنش عاطفی بالاترین میزان و کنش اعلامی کمترین میزان استفاده را داشته است. از نظر ایشان کاربرد بالای کنش عاطفی حاکی از ارتباط عمیق گوینده (زائر) با مخاطب (امام) است. فضاطلی و همکار (۱۳۹۰) نیز طبقه‌بندی سرل را در تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج‌البلاغه به کار برده و نشان داده‌اند که امام علی (ع) در این خطبه بیشتر از کنش گفتاری اظهاری به‌منظور ایجاد بصیرت و آگاهی در یارانشان نسبت به جنگ، مرگ و زندگی و نیز از کنش ترغیبی به قصد تحریک و ترغیب آنان برای حمله به سپاه دشمن استفاده نموده و کمتر کنش عاطفی و کنش‌های تعهدی و اعلامی را به کار برده‌اند. زارع و زرگری، (۱۳۹۲)، به تحلیل متن‌شناسی سوره بقره براساس نظریه کنش گفتار پرداخته و دریافتند که کنش اظهاری و ترغیبی بیشترین کاربرد را در این سوره داشته‌اند.

قرآن کریم به‌عنوان معجزه جاوید پیامبر اکرم (ص) حاوی مجموعه‌ای از پیام‌ها، اخبار، اوامر و نواهی و بشارت‌ها و انذارهاست که برای درک و استفاده بشر در قالب کلام بشری متجلی شده است. هرچند همه شواهد امر حاکی از علو جایگاه این کلام و تفاوت آن با گفتار بشر است، اما ساختار و شاکله این کلام، مبتنی بر قواعد ساختاری، معنایی و زبان‌شناختی زبان‌های بشری است و تا حد زیادی (هرچند نه به‌تمامی) از قواعد آن‌ها پیروی می‌کند. این کتاب آسمانی به تبع ضرورت‌هایی که در شرایط و زمان‌های مختلف برای ارشاد و هدایت پیش می‌آمد و به‌صورت تدریجی از جانب خداوند متعال بر نبی اکرم و عظیم‌الشأن اسلام نازل شده است.

قرآن با بیان سرگذشت پیشینیان، دعوت به یکتاپرستی و نفی شرک، بشارت و انذار در مورد نیات و اعمال، ذکر احکام و قوانین مربوط به جامعه و زندگی اجتماعی و با نشان‌دادن صراط مستقیم به بشریت، انسان‌ها را هدایت و راهنمایی می‌کند تا به کمال مطلوب برسند. سوره‌های قرآن کریم با توجه به شرایط و زمان و مکان نزول آن‌ها بر پیامبر گرامی اسلام به سوره‌های مکی و مدنی تقسیم می‌شوند که هر یک دارای مفاهیم و مضامین خاص خود هستند. در این تقسیم‌بندی، برخی علما «مکان» را عامل تعیین‌کننده مکی یا مدنی بودن سوره‌ها می‌دانند، اما برخی دیگر عامل «زمان» را تعیین‌کننده دانسته و درواقع، مکی و مدنی را به

معنای قبل از هجرت و بعد از هجرت نبی اکرم می‌شمارند. عوامل دیگری نظیر سیاق آیات در خطاب قرار دادن مخاطبان، یا موضوع سوره‌ها نیز ذکر شده است. سوره‌های مکی، اصول و معارف اسلام، به‌ویژه مبارزه با شرک و بت‌پرستی، توحید، معاد و جهان پس از مرگ و صدق دعوت پیامبر را تشریح می‌کند. در سوره‌های مکی بیشتر دعوت به اصول سه‌گانه توحید، معاد و نبوت دیده می‌شود؛ اما سوره‌های مدنی هنگامی نازل شدند که پیامبر در حال تأسیس حکومت اسلامی و ایجاد جامعه سالم انسانی بود؛ به همین دلیل این سوره‌ها بیشتر شامل قوانینی است که در سالم‌سازی جامعه مؤثر است (نک. مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۹).

۳. اهمیت و روش تحقیق

با بررسی‌های به‌عمل‌آمده، به‌جز چند اثر محدود ذکرشده در بالا، پژوهش دیگری در این زمینه انجام نشده و از بین همین تعداد نیز تنها دو مورد به کاربرد این نظریه در تحلیل قرآن پرداخته و در این راه بیشتر مباحث نظری را مطرح کرده‌اند. فقدان آثار قابل توجه در این زمینه، به‌ویژه با رویکرد کاربردی و مصداقی، نگارندگان را بر آن داشت تا به یک تحقیق عملی براساس مدل سرل در متون قرآنی بپردازند. با توجه به ضرورت در نظر گرفتن بافت زمانی- مکانی در تحلیل کنش گفتار متون دینی که پیشتر به آن اشاره شد (cf. Botha, 1991; Patte, 1988)، در تحقیق حاضر برای نخستین بار کنش‌های گفتاری در قرآن با توجه به این عوامل بررسی شده است. بر این اساس تحقیق حاضر در پی مقایسه کاربرد کنش‌های گفتاری در کلام الهی در دو بافت زمانی- مکانی و در دو برهه متفاوت از حیات اسلام و دوران وحی است. این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه کنش گفتار و طبقه‌بندی سرل، به بررسی تفاوت آماری میزان وجود هر یک از انواع کنش‌های گفتاری در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم پرداخته است.

در این پژوهش از روش توصیفی تحلیل محتوا استفاده شده است که براساس نظریه کنش گفتار آستین و طبقه‌بندی پنج‌گانه سرل در مورد انواع کنش‌های گفتاری، به بررسی تفاوت در محتوا و مفاهیم و تفاوت در میزان وجود هر یک از انواع کنش‌های گفتاری در آیات و سوره‌های مکی و مدنی پرداخته شده است. با استفاده از روش تصادفی، شصت صفحه از صفحات قرآن مجید به‌عنوان نمونه انتخاب گردید که از این تعداد، سی صفحه مربوط به

سوره‌های مکی و سی صفحه مربوط به سوره‌های مدنی بود.

سوره‌های مکی بررسی شده و صفحات آن‌ها (برحسب قرآن به خط عثمان طه) عبارت است از: انعام (۱۳۰ و ۱۵۰)، اعراف (۱۷۰)، یونس (۲۱۰)، هود (۲۳۰)، یوسف (۲۴۰)، ابراهیم (۲۶۰)، نحل (۲۸۰)، اسراء (۲۹۰)، کهف (۳۰۰)، مریم (۳۱۰)، طه (۳۲۰)، انبیاء (۳۳۰)، فرقان (۳۶۰)، شعراء (۳۷۰)، نمل (۳۸۰)، قصص (۳۹۰)، عنکبوت (۴۰۰)، روم (۴۱۰)، سبأ (۴۲۰)، یس (۴۴۱)، صافات (۴۵۰)، ص (۴۶۰)، غافر (۴۷۰) زخرف (۴۹۰)، جائیه (۵۰۰)، قمر (۵۳۰)، ملک (۵۶۲)، بروج (۵۹۰) و فجر (۵۹۳).

سوره‌های مدنی و صفحات آن‌ها نیز عبارت بودند از بقره (۱۰، ۲۰ و ۴۰)، آل عمران (۵۰ و ۷۰)، نساء (۸۰، ۹۰ و ۱۰۰)، مائده (۱۱۰ و ۱۲۰)، انفال (۱۸۰)، توبه (۱۹۰ و ۲۰۰)، رعد (۲۵۰)، حجر (۳۴۰)، نور (۳۵۰)، احزاب (۴۲۰)، محمد (۵۱۰)، فتح (۵۱۴)، حجرات (۵۱۶)، مجادله (۵۴۲)، حشر (۵۴۶)، ممتحنه (۵۵۰)، صف (۵۵۲)، منافقون (۵۵۵)، تغابن (۵۵۶) طلاق (۵۵۸)، تحریم (۵۶۰) و انسان (۵۷۹).

از آنجا که کنش‌های گفتاری را باید در پاره‌گفتار جست‌وجو کرد، هر آیه به‌عنوان یک پاره‌گفتار در نظر گرفته شد و هریک از انواع کنش‌های گفتاری موجود در آن‌ها مشخص گردید. با توجه به این‌که در بیشتر آیات، فعل کنشی به‌طور صریح قید نشده، براساس بافت زبانی و نیز با آگاهی از شرایط نزول و مفاهیم آیات نوع کنش گفتاری مشخص شده است.

۴. تحلیل کنش‌های گفتاری در آیات مکی و مدنی

کنش‌های گفتار به‌کاررفته در مجموع آیات موجود در صفحات انتخاب‌شده، بررسی و استخراج گردید. نکته‌ای که ذکر آن در اینجا ضروری است، این است که تعیین کنش گفتار در متونی نظیر قرآن کریم چندان ساده نیست. نخست این‌که براساس حدیث نبوی که قرآن را دارای هفتاد بطن می‌داند و نیز براساس آیه قرآن که تأویل قرآن را منحصر به خدا و رسول و راسخون در علم می‌داند، نمی‌توان به‌سادگی منظور اصلی گوینده متعال آن را تعیین کرد و ناچار به اعمال حکم به ظاهر هستیم. از یکسو، اگر قرآن را کتابی بدانیم که مجموعه‌ای از اطلاعات درباره حقایق جهان هستی و اقوام پیشین و احکام زندگی برای سعادت دنیوی و اخروی را در اختیار ما می‌گذارد، تمام قرآن یک گفتمان آگاهی‌بخش و به‌نوعی دارای کنش اظهاری خواهد بود. اما اگر در لابه‌لای

این اطلاع‌رسانی قرآن دقیق شویم، بیان برخی ماجراها برای سرزنش و تحقیر کفار و مشرکان یا تمجید و تحسین مؤمنان و خداپرستان است که در این صورت علاوه بر کنش اظهاری، باید این آیات را دارای کنش عاطفی نیز دانست.

همچنین بیان برخی اخبار آخرت بیش از آن‌که خبررسانی صرف باشد، جنبه تهدید و انذار و یا تشویق و تبشیر دارد که به‌نوعی کنش تعهدی را در خود دارد؛ مثلاً در آیه شریفه «و للکافرین عذابٌ الیم»، تنها بیان و اظهار یک خبر نیست، بلکه تهدیدی برای کافران و یک کنش تعهدی است.

گفتنی است در تحلیل آیات مکی و مدنی در این پژوهش کوشیده‌ایم با توجه به متن و بافت آیه و با بهره‌گیری از ترجمه معتبر مکارم شیرازی (۱۳۸۷)، تا حد امکان کنش اصلی را در نظر بگیریم و در برخی موارد یک بخش از آیه، همزمان ممکن است دارای دو کنش گفتار متفاوت در نظر گرفته شده باشد. در این بخش به‌عنوان نمونه به تحلیل تعدادی از آیات با در نظر گرفتن مفاهیم کلی قرآن و مفاهیم خاص سوره‌های مکی شامل دعوت به یکتاپرستی و اصول سه‌گانه توحید، معاد و نبوت و مبارزه با شرک و نیز مفاهیم خاص سوره‌های مدنی شامل قوانین مؤثر در سالم‌سازی جامعه اشاره می‌نماییم.

۴-۱. کنش اظهاری

جمله‌هایی شامل اخبار، اظهارات، ادعاهای، نتیجه‌گیری‌ها، بیانات و مانند آن دارای کنش اظهاری‌اند.

آیه ۱۹ سوره مکی «یونس»: وَ مَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا؛ (در آغاز) همه مردم جز امت واحدی نبودند؛ سپس اختلاف کردند.

این آیه ارائه گزارشی است در مورد سرگذشت انسان‌های پیشین و می‌توان گفت که کنش اظهاری در این آیه به کار رفته است.

آیه ۲۵ سوره مدنی «توبه»: لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ؛ خداوند شما را در مواضع بسیاری یاری کرد (و بر دشمن پیروز شدید) و در روز حنین (نیز یاری نمود).

خداوند ماجرای نصرت الهی در موارد فراوان و از جمله جنگ حنین را یادآوری می‌کند که نوعی کنش اظهاری محسوب می‌شود.

۲-۴. کنش ترغیبی

امر و نهی، طلب، خواهش یا فرمان از مصادیق کنش ترغیبی محسوب می‌شوند. آیه ۸۱ سوره مکی «هود»: فَاسْرِبْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَ لَا يَتَنَبَّهْ مِنْكُمْ أَحَدٌ؛ در تاریکی شب، خانواده‌ها را (از این شهر) حرکت ده و هیچ‌یک از شما پشت سرش را نگاه نکنند. یک امر الهی (خروج از شهر) و یک نهی الهی (نگاه نکردن به پشت سر) در یک آیه آمده است که در مجموع، دو کنش ترغیبی را شامل می‌شود.

آیه ۱۳۵ سوره مدنی «نساء»: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيَّ رَسُولِي وَ الْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ؛ ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبرش و کتابی که بر او نازل کرده و کتب آسمانی که پیش از آن فرستاده است، ایمان (واقعی) بیاورید.

خداوند مسلمانان (مؤمنان ظاهری) را امر به ایمان واقعی به خدا و رسول و کتب آسمانی می‌کند که کنش ترغیبی است. نکته جالب این‌که امر به ایمان واقعی پس از اسلام و ایمان سطحی، در مدینه و در زمانی صورت می‌گیرد که اسلام و مسلمانان مراحل اولیه را پشت سر گذاشته و در حال پیشرفت و ارتقای مادی و معنوی هستند.

۳-۴. کنش عاطفی

درود و سلام و تحیت، عذرخواهی، سرزنش، تبریک، تحسین و تشکر از جمله کاربردهای کنش عاطفی به شمار می‌روند.

آیه ۳ سوره مکی «فرقان»: وَأَتَّخِذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَ لَّا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَ لَّا نَفْعًا وَ لَّا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَ لَّا حَيَاةً وَ لَّا نُشُورًا؛ آنان غیر از خداوند معبودانی برای خود برگزیدند که چیزی را نمی‌آفرینند؛ درحالی‌که خودشان مخلوقند، نه مالک سود و زیان خویشند و نه مالک مرگ و حیات و رستاخیز خود.

خداوند با اشاره به کار نامعقول مشرکان، به نکوهش و هجو ایشان پرداخته و رفتار آن‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهد. بنابراین کنش به‌کاررفته در این آیه از مصادیق کنش عاطفی است.

آیه ۲۴ سوره مدنی «رعد»: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ؛ سلام بر شما

به خاطر صبر و استقامت‌تان! چه نیکوست سرانجام سرای جاویدان!
 با سلام و درود فرستادن به کسانی که به عهد الهی وفا می‌کنند، از بدی روز حساب بیم دارند، برای جلب رضای پروردگارشان شکیبایی می‌کنند، نماز به پا می‌دارند و انفاق می‌کنند، از کنش عاطفی استفاده شده است.

۴-۴. کنش تعهدی

سوگند خوردن، قول دادن، پیشنهاد دادن، تهدید کردن، رد کردن، وعده و وعید و بشارت (به آینده) دادن از نمونه کاربردهای کنش تعهدی هستند.
آیه ۱۷ سوره مکی «جاثیه»: *إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ؛* اما پروردگارت روز قیامت در میان آن‌ها در آنچه پیوسته اختلاف داشتند داوری می‌کند.
 خداوند به بنی اسرائیل وعده حساب‌رسی در روز قیامت و مؤاخذه به خاطر اختلاف‌افکنی می‌دهد که در این آیه به طور صریح از کنش تعهدی استفاده شده است.
آیه ۲۹ سوره مدنی «انفال»: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ؛* ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما (نورانیت درون و) وسیله تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد و گناهانتان را می‌پوشاند و شما را می‌آمرزد.
 با توجه به مضمون آیه در مورد تعهد و وعده الهی به مؤمنان برای هدایت و بخشش آنان مشروط به تقوای پیشگی، این آیه مصداق روشن این نوع کنش است.

۴-۵. کنش اعلامی

صدور احکامی در قالب واجب کردن، ابطال کردن، نامیدن، محکوم کردن، تحریم کردن، عقد ازدواج، منصوب کردن، عزل کردن و نظایر آن دارای کنش اعلامی محسوب می‌شود.
آیه ۱۱۵ سوره مکی «نحل»: *إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ؛* خداوند، تنها مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی که با نام غیر خدا ذبح شده، بر شما حرام کرده است.
 تحریم، از مصادیق بارز کنش اعلامی محسوب می‌شود که در این آیه نیز برخی خوراکی‌ها بر مسلمانان حرام شده است.

آیه ۶۵ سوره مدنی «بقره»: «وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَلَقْنَا لَهُمْ كُتُوبًا قَرْدَةً خَاسِئِينَ؛ به‌طور قطع از حال کسانی از شما که در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند، آگاه شده‌اید. ما به آن‌ها گفتیم: «به‌صورت بوزینه‌هایی طردشده درآیید».

هرچند ظاهر جمله کُتُوبًا قَرْدَةً خَاسِئِينَ به‌صورت امری است، اما قول در این آیه، همان حکم الهی است که به محض اراده الهی جاری می‌شود و درواقع، خداوند جمله‌ای به‌صورت کلامی نفرموده است، بلکه حکم کرده است که این افراد خطاکار بنی‌اسرائیل تبدیل به بوزینه شوند و این حکم سبب تغییر، آن هم نه تغییر روابط مانند تحریم و حلیت، بلکه حتی تغییر مادی در جهان خارج شده است و بنابراین کنش گفتار اعلامی که در این آیه به کار رفته است، مختص ذات پروردگار است که می‌تواند در جهان مادی جاری و ساری شود.

۵. یافته‌ها

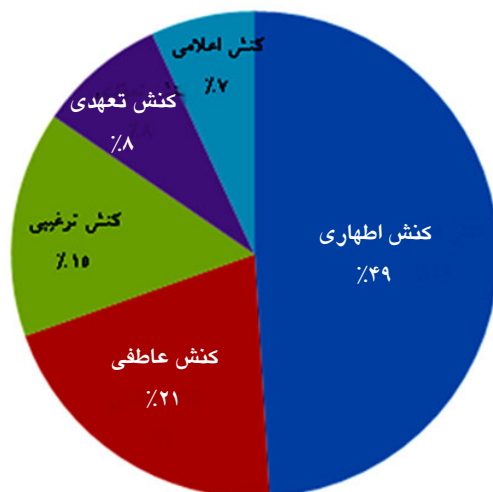
با توجه به آنچه گفته شد، کنش‌های گفتار از مجموع شصت صفحه که به روش تصادفی از قرآن کریم انتخاب شده بود، مشتمل بر سی صفحه از سوره‌های مکی و سی صفحه از سوره‌های مدنی استخراج و به پنج نوع معرفی شده در نظریه کنش گفتار سرل (۱۹۷۵) تفکیک گردید. یافته‌های پژوهش، فرض تحقیق مبنی بر وجود تفاوت در کنش‌های گفتار سوره‌های مکی و مدنی را تأیید کرد. در مجموع آیه‌های مورد بررسی، تعداد ۷۵۱ کنش گفتاری در سوره‌های مکی و ۶۳۹ کنش گفتاری در سوره‌های مدنی احصاء گردید. این تفاوت در تعداد کنش‌ها ناشی از تفاوت در طول جمله‌های مربوط به هر کنش است که طبیعی است؛ اما در عین حال تفاوت چشمگیر و تعداد بالای کنش گفتار در صفحات مساوی، نشان از فشردگی و تراکم بیشتر کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی است. به عبارت دیگر، سوره‌های مکی تعداد بیشتری از کنش‌های گفتار را در عبارت‌های کوتاه و پیاپی جا داده‌اند و از این لحاظ با سوره‌های مدنی که از عبارت‌های بلندتر و از تعداد کمتر کنش گفتار استفاده می‌کنند تفاوت دارند.

یافته‌ها همچنین نشان داد که بسامد آماری انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی تفاوت معناداری دارد. بر این اساس، از مجموع ۷۵۱ کنش گفتاری در سوره‌های مکی، ۳۶۸ کنش اظهاری، ۱۵۴ کنش عاطفی، ۱۱۳ کنش ترغیبی، ۶۴ کنش تعهدی و ۵۲ کنش اعلامی است. اما از مجموع ۶۳۹ کنش گفتار در سوره‌های مدنی، کنش اظهاری با ۲۵۰ مورد در جایگاه نخست قرار

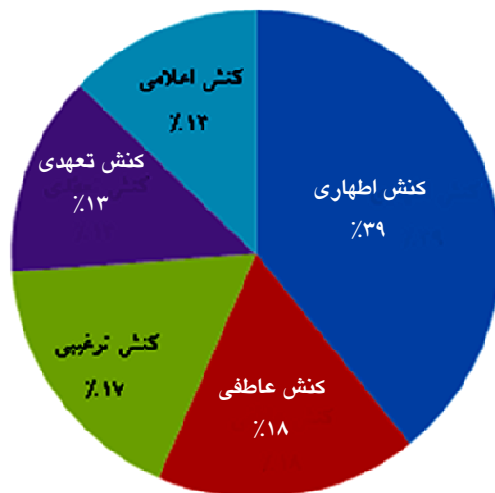
دارد و پس از آن، کنش‌های ترغیبی و عاطفی هر دو با ۱۱۱ مورد در جایگاه دوم قرار دارند. کنش‌های تعهدی و اعلامی نیز به ترتیب با ۸۵ و ۸۲ مورد در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. جدول «۱» و نمودارهای «۱» و «۲» فراوانی انواع کنش‌ها را در آیات مورد بررسی نشان می‌دهد.

جدول ۱ فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی

سوره‌های مدنی		سوره‌های مکی		فراوانی نوع کنش
(درصد)	(تعداد)	(درصد)	(تعداد)	
٪۳۹/۱	۲۵۰	٪۴۹	۳۶۸	اظهاری
٪۱۷/۳	۱۱۱	٪۲۰/۵	۱۵۴	عاطفی
٪۱۷/۳	۱۱۱	٪۱۵/۰۴	۱۱۳	ترغیبی
٪۱۳/۳	۸۵	٪۸/۵	۶۴	تعهدی
٪۱۲/۸	۸۲	٪۶/۹	۵۲	اعلامی
٪۱۰۰	۶۳۹	٪۱۰۰	۷۵۱	جمع



نمودار ۱ فراوانی انواع کنش‌های گفتاری در سوره‌های مکی



نمودار ۲ فراوانی انواع کنش‌های گفتاری در سوره‌های مدنی

۶. نتیجه‌گیری

بررسی کنش‌های گفتار در متون دینی مبحثی میان‌رشته‌ای و نسبتاً جدید است و می‌تواند چشم‌اندازهای جدیدی را در مباحث معناشناسی قرآن و تفسیر آن فراهم آورد. با توجه به نبود آثار چندانی در این زمینه، مبانی نظری و روش‌شناسی تحلیل متون دینی اسلام براساس نظریه کنش گفتار هنوز به‌طور صحیح شکل نگرفته است و منابع دقیقی در این زمینه وجود ندارد و پژوهش‌هایی که با این روش روی متون مسیحی انجام شده است نمی‌تواند الگوی مناسبی برای پژوهشگران مسلمان باشد (نک. شکرانی و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین انجام تحقیقاتی از این دست در ابعاد وسیع برای نیل به یک روش متقن و مستحکم ضروری است. با این رویکرد پژوهش حاضر، برای نخستین بار به بررسی و مقایسه کنش گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم می‌پردازد. فرض این پژوهش این است که بافت زمانی و مکانی و شرایط اجتماعی-تاریخی متفاوت صدر اسلام در مکه و اوج اسلام در مدینه و نیز تفاوت نوع مخاطب از مشرک به مسلمان و مؤمن می‌تواند در میزان کاربرد

کنش‌های گفتار تأثیرگذار باشد و سبب تفاوت آیات سوره‌های مکی و مدنی از این منظر شود. نتایج تحقیق فرض بالا را تأیید یا حداقل تقویت می‌کند. این بررسی نشان می‌دهد هرچند کنش اظهاری بنا به سبک بیانی قرآن در بیان اخبار و احوالات و حقایق در هر دو نوع سوره‌های مکی و مدنی بیشترین کاربرد را دارد، اما درصد کاربرد این نوع کنش در سوره‌های مکی بیشتر است تا سوره‌های مدنی. این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت جنبه آگاهی‌بخشی و خبررسانی قرآن کریم در سال‌های آغازین بعثت نبی اکرم باشد. بیان واقعیت‌های عالم غیب و شهود و اخبار اقوام پیشین و نیز بیان شگفتی‌های خلقت آسمان‌ها و زمین در این سال‌ها می‌تواند در قالب کنش اظهاری، زمینه را برای ادامه راه هدایت نبوی و بیان احکام و ارشادات در قالب سایر کنش‌ها مهیا کند. بدیهی است که کاهش بسامد کنش اظهاری سبب افزایش فراوانی سایر کنش‌ها می‌شود. در نتیجه، میزان کنش‌های عاطفی و ترغیبی در سوره‌های مدنی افزایش یافته و تقریباً مساوی شده است. اوامر و نواهی و تحسین و تمجید از نیکوکاران و نیز توبیخ و سرزنش و تحقیر و استهزاء کافران و منافقان در قالب این کنش‌ها در سوره‌های مدنی نسبت به مکی افزایش یافته است. بشارت و انذار و وعده و وعید به مؤمنان و کافران و بیان ثواب‌ها و عقاب‌هایی که در انتظار ایشان است، سبب افزایش کنش تعهدی در سوره‌های مدنی شده است. همچنین احکام انشایی خداوند در تحریم و حرمت یا صدور احکامی از جنس کن فیکون نیز سبب بالاتر بودن میزان کنش تعهدی در سوره‌های مدنی قرآن شده است.

همان‌گونه که گفته شد، این تحقیق گامی نخست در این بُعد از مطالعات قرآنی است و قطعاً نیازمند تکمیل و اصلاح است. برای کسب نتایج بهتر نیاز است تا با همکاری پژوهشگران از رشته‌های مختلف علوم قرآنی، زبان‌شناسی و ادبیات در قالب پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، تحقیقاتی به‌طور هم‌زمان، هم در تدوین و تحکیم مبانی نظری و هم در انجام فعالیت‌های کاربردی در این زمینه تلاش شود. این پژوهش‌ها باید ملاک‌های مناسبی برای تعیین کنش گفتار اصلی آیات ارائه دهد و هم‌زمان امکان اصلاح طبقه‌بندی پنج‌گانه سرل را با توجه به واقعیت‌های خاص زبان قرآن بررسی کند.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. pragmatics
2. semantics

3. speech act theory
4. Austin
5. Searle
6. logical positivism
7. true
8. false
9. constative/performative
10. statement
11. locutionary act
12. illocutionary act
13. perlocutionary Act
14. meaningful utterance
15. intention
16. convention
17. propositional content
18. representative / assertive act
19. directive act
20. commissive act
21. expressive act
22. declarative act
23. context

۸. منابع

- قرآن کریم.
- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۱). «توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی». *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی (جستارهای زبانی)*. د ۳. ش ۲. صص ۱-۲۶.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و مهدی رجب‌زاده (۱۳۸۹). «تحلیل متن‌شناسی زیارتنامه حضرت امام رضا (ع) بر پایه نظریه کنش‌گفتار». *مطالعات اسلامی-فلسفه و کلام*. س ۴۲. ش پیاپی ۸۵/۲ (پاییز و زمستان). صص ۳۷-۵۴.
- حرّی، ابوالفضل (۱۳۹۱). «اقتراح کتاب برگزیده من، گفتمان قرآن: بررسی زبان‌شناختی پیوند متن و بافت قرآن، اثری از خلود العموش» (نقد کتاب). *اطلاعرسانی و کتابداری: کتاب ماه دین*. ش ۱۷۵. صص ۳-۸.
- زارع، آمنه و سحر زرگری (۱۳۹۲). «تحلیل متن‌شناسی سوره بقره براساس نظریه کنش

- گفتار». اولین کنفرانس ملی آموزش زبان انگلیسی، ادبیات و مترجمی. (شیراز).
(Vide. [www.civilica.com / Paper-TELT01-TELT01_360.html](http://www.civilica.com/Paper-TELT01-TELT01_360.html)).
- زرکشی، محمدبن بهادر (۱۳۸۷). *برهان فی علوم القرآن*. به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
 - سبحانی، جعفر (۱۳۹۰). *درس خارج اصول*. قم: مدرسه فقاها.
 - ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۱). «نظریه کنش‌گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن». *قبسات*. قم: ش ۶. صص ۱۲۲-۱۳۰.
 - شکرانی، رضا؛ مهدی مطیع و هدی صادق‌زاده‌گان (۱۳۹۰). «بررسی روش گفتمان‌کاوی و چگونگی کاربست آن در مطالعات قرآنی». *پژوهش*. س ۳. ش ۱ (پیاپی ۵). صص ۹۳-۱۲۲.
 - صفوی، کوروش (۱۳۸۳). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سوره مهر.
 - ----- (۱۳۸۴). *فرهنگ توصیفی معناشناسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
 - عسکری متین، سجاد و علی رحیمی (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان حقوقی؛ واکاوی نقش کارگفت در بافت حقوقی». *جستارهای زبانی*. د ۴. (پیاپی ۱۶). صص ۱۵۱-۱۷۲.
 - فضائلی، سیده‌مریم و محمد نگارش (۱۳۹۰). «تحلیل خطبه پنجاه‌ویکم نهج‌البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری». *مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث*. س ۴۳. ش پیاپی ۸۶/۳. (بهار و تابستان). صص ۸۱-۱۱۸.
 - قنسولی، بهزاد (۱۳۷۹). «بررسی کنش‌های گفتار در خطبه یکصد و یازدهم نهج‌البلاغه». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی* (دانشگاه فردوسی مشهد). ش پیاپی ۱۳۰ و ۱۳۱. صص ۵۷۱-۵۸۰.
 - مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۹). *تفسیر نمونه*. ج ۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

References:

- *Holy Quran* (2008). Translated to Persian by Naser Makarem Shirazi, Tehran: Karafarinan-e Farhang va Honar [In Arabic].
- Aghagolzadeh, F. (2012). "Description and explanation of ideological linguistic structures in critical discourse analysis". *Journal Comparative Language and*

Literature Research (Language Related Research) 2, Vol. 3. (Summer 2012) .
Pp. 1-26 [In Persian].

- Allan, K. (2001). *Natural Language Semantics*. Oxford: Blackwell.
- Asgari, M. & A. Rahimi. (2014). " Forensic discourse analysis; legal speech acts in legal language". *Linguistic Related Research 4*. Vol. 4. Winter . Pp. 151-172 [In Persian].
- Austin, J. L. (1962). *How to Do Things with Words*. Oxford: Oxford University Press.
- ----- (1971). "Performative-constative". in John R. Searle (ed), *The Philosophy of Language*. Oxford University Press. pp. 13-22.
- Bach, K. & R. M. Harnish (1979). *Linguistic Communication and Speech Acts*. Cambridge, MA.: MIT Press.
- Bach, K. (2004). "Pragmatics and the Philosophy of language". In Horn L. & Ward G. (Eds.). *The Handbook of Pragmatics*. (Oxford: Blackwell). pp. 463-488.
- Barber, A. & R. J. Stainton (2010). (eds.) *Concise Encyclopedia of Philosophy of Language and Linguistics*. Oxford: Elsevier Ltd.
- Botha, J. E. (1991). "Speech act theory and new testament exegesis". *HTS*. Vol 47. No. 2. pp. 294-303.
- Briggs, Richard S. (2001). *Words in Action: Speech Act Theory and Biblical Interpretation*. London: T&T Clark.
- Buss, M. J. (1988). "Potential and actual interactions between speech act theory and Biblical studies". *Semeia*. (Italy). No. 41. pp. 125-134.
- Crystal, D. (2003). *A Dictionary of Linguistics & Phonetics* (Fifth edition). Oxford: Blackwell.



- Fazaeli, S. M. & M. Negaresh (2011). "The analysis of lecture 151 of Nahj-ol-Balaghe Based on Searl's classification of speech acts". *Quranic & Hadith Studies*. Vol. 43. Issue 86. Spring & Summer . Pp. 81-118 [In Persian].
- Ghonsooli, B. (2000). "Speech acts in lecture 111 of Nahj-ol-Balaghe". *Journal of Humanities. Ferdowsi University of Mashhad. 130 & 131*. . Pp. 571-580 [In Persian].
- Grice, H. P. (1996). "Meaning". In A. P. Martinich (Eds.). *The Philosophy of Language* (3rd ed.). pp. 85-91. (New York: Oxford University Press).
- Horri, A. (2012). "Ighterah, my favorite book; The discourse of Quran: Linguistic analysis of the link between text and context, by Khalud Al-Amoush". (book review). *Information Science and Librarianship 175: Month Book of Religion*. Pp. 3-8 [In Persian].
- Huang, Y. (2006) "Speech Acts". In Brown, K.; A. Barber & R. J. Stainton (eds.). *Concise Encyclopedia of Philosophy of Language and Linguistics*. Oxford: Elsevier Ltd.
- Levinson, S. C. (1983). *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Makarem Shirazi, N. et all. (2000) *Nemooneh Exegesis*. Vol. 1. Tehran: Dar-al-Kutub-al-Islamiyah [In Persian].
- Malmkjær, K. (2010). *The Routledge Linguistics Encyclopedia*. Third Edition. Routledge: New York.
- Martin, R. M. (1987). *The Meaning of Language*. Cambridge, MA.: The MIT Press.
- Martínez-Flor, A. (2005). "A Theoretical review of the speech act of suggesting: Towards a taxonomy for its use in FLT". *Revista Alicantina de Estudios Ingleses*. Alicante (Spain). No. 18. pp. 167-187.
- Masaki, Y. (2004). "Critique of J. L. Austin's speech act theory: Decentralization of the speaker- centered meaning in communication". *Kyushu*

Communication Studies. (Japan). No. 2. pp. 27-43.

- Oishi, E. (2006), "Austin's speech act theory and the speech situation". *Escrizi Filosofici*. No. 1. pp. 1-14.
- Pahlavannezhad, M. & M. Rajabzadeh (2011). "Textual analysis of Imam al-Rizā (A. S.)'s Ziyārat Nāma based on speech act theory". *Islamic Philosophy & Theology* 85. Vol. 2. Year (2011-2). Pp. 37-54 [In Persian].
- Patte, D. (1988). "Speech Act theory and Biblical exegesis". *Semeia*. (Italy). No. 41. pp. 85-102.
- Sadock, J. (2004). "Speech acts". In Horn L & Ward G (Eds.). *The Handbook of Pragmatics*. (Oxford: Blackwell). pp. 53-73.
- Safavi, K. (2004). *An Introduction to Semantics*. Tehran: Sureh Mehr. [In Persian]
- ----- (2005). *Descriptive Dictionary of Semantics*. Tehran: Farhang Moaser [In Persian].
- Sajedi, A. (2012). "Austin's speech act theory and understanding the discourse of Quran". *Ghabasat Journal* 25. Vol. 6. Pp. 122-130 [In Persian].
- Searle, J. R. (1975). "A taxonomy of illocutionary acts". *Language and Knowledge*. (Minneapolis: University of Minneapolis Press). pp. 344-369.
- ----- (1983). *Intentionality*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Searle, J. R. (1999). *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*. New York and Melbourne: Cambridge University Press.
- ----- (2001). *Rationality in Action*. Cambridge MA.: MIT Press.
- Shokrani, R.; M. Moti & H. Sadeghzadegan (2011). "the methodology of discourse analysis and its application in Quranic studies". *Research Journal* 1. Qom. Vol. 3. Spring & Summer. Pp. 93-122 [In Persian].
- Strawson, P. F. (1969). "Intention and Convention in Speech Acts. In K. T. Fann" (Ed.). *Symposium on J. L. Austin*. pp. 380-400. (New York: Humanities



- Subhani, J. (2011). *Lessons in Beyond Reasoning Principles*. Qom: *Fighahat School* [In Persian].
- Zare, A. & S. Zaragari (2013). "textual analysis of Surah-e- *Bagharah* based on speech act theory". *The First National Conference on English Language Teaching, Literature & Translation*. Shiraz. Summer 2013 [In Persian].
- Zarkeshi, M. (2008). *Argument in Quranic Sciences* (edited by: M. A. Ebrahim). Qom: Tibyan Cultural Institute [In Arabic].